

جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل

سید فضل ا. موسوی*

استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فهیمة قیاسیان

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۲/۴)

چکیده:

با وجود پیشینه طولانی اصل جبران خسارت در حقوق بین الملل عرفی، تنها در چند دهه اخیر این اصل در خصوص خسارات زیست محیطی توجه جامعه جهانی و به تبع آن حقوق بین الملل را به خود معطوف داشته است. به دنبال آن، این سؤال اساسی قابل طرح شد که جبران خسارات زیست محیطی تابع چه اصول و قواعدی است؟ آیا می توان نظر به گستردگی و ماهیت منحصر به فرد چنین خساراتی، آنها را تابع قواعد عام جبران خسارت در حقوق بین الملل دانست؟ هر چند در پاسخ به این سؤال و در شرایط کنونی، رویه قضایی بین المللی و نیز رویه دولتها حکایت از اعمال قواعد عام جبران خسارت در این حوزه دارد؛ با این حال، اعمال چنین قواعد کلی بنا به دلایلی، چندان کارآمد و متناسب به نظر نمی رسد. از این رو توسعه و تدوین نظام جبران خسارات خاص زیست محیطی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

واژگان کلیدی:

اصل جبران خسارت، خسارات زیست محیطی، شیوه های جبران خسارات زیست محیطی، حقوق بین الملل.

مقدمه

امروزه التزام به جبران خسارات زیست محیطی بر اساس قواعد عام مسئولیت بین‌المللی (International Responsibility) به عنوان اصل مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست مورد شناسایی واقع شده است. آنگونه که اصل ۲۲ و ۱۳ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ ريو ۱۹۹۲ دولتها را به «همکاری برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارت برای قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست محیطی» فرا می‌خواند (مجنونیان، ۱۳۷۷، ص ۳۴۲). اما این که گستره و چگونگی اجرای آن در عمل به چه صورت است؟ سؤالی که پاسخ به آن بنا به دلایلی متعدد بسیار دشوار است:

- از یک سو بسیاری از اسناد زیست محیطی بین‌المللی از جمله اسناد فوق‌الذکر با خودداری از پرداختن به جزییات، تنها به بیان اصول کلی در این زمینه بسنده کرده‌اند.

- از سوی دیگر در سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل، رویه قضایی خود عامل توسعه و غنای هر چه بیشتر قواعد حقوقی می‌باشد؛ این در حالی است که در زمینه مطالبه جبران خسارات زیست محیطی از سوی دولت قربانی به دلایل گوناگون، فقدان رویه قضایی بین‌المللی کافی بر عدم غنای این بحث در حقوق بین‌الملل افزوده است (زمانی، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

- علاوه بر این خصوصیات منحصر به فرد خسارات زیست محیطی، رابطه علی و معلولی بین فعالیت منشأ خسارات و خسارت وارده، فاصله مبدأ و محل بروز خسارات و همچنین مشکلات مربوط به ارزیابی آنها، جبران خسارات زیست محیطی را با جبران خسارات در دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل متفاوت ساخته است.

با این حال، نگاهی به اراده عام جامعه جهانی بر پیشگیری، کنترل و جلوگیری از بروز صدمات زیست محیطی از یک سو و تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم چنین خساراتی بر بقاء تمامی جوامع انسانی از سوی دیگر، پرداختن به موضوع جبران خسارات زیست محیطی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. در این راستا، مقاله حاضر با هدف تبیین نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر جبران خسارات زیست محیطی بر اساس منابع حقوق بین‌الملل از جمله معاهدات و رویه قضایی بین‌المللی و شناسایی ابهامات و کاستی‌های موجود، در پنج بخش در تلاش است سؤالات ذیل را پاسخگو باشد: جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل تابع چه اصول و قواعدی است؟ آیا چنین قواعدی همان قواعد عام جبران خسارت در حقوق بین‌الملل عرفی است؟ به عبارت دیگر با توجه به ویژگی‌های خاص خسارات زیست محیطی همچون فرامرزی، بالقوه و غیرمادی و غیرمالی بودن باز هم می‌توان چنین خساراتی را در چهارچوب قواعد عام تعریف کرد و بر اساس همان شیوه‌های جبران خسارات در حقوق بین‌الملل عرفی

(اعاده به وضع سابق، غرامت، جلب رضایت) جبران کرد؟ و یا باید به دنبال تعریف خاص و شیوه‌های ارزیابی و جبران خاص چنین خساراتی بود؟

۱. اصل کلی جبران خسارت (Reparation)

در پاسخ به این سؤال که اساساً مسئولیت به جبران خسارات در حقوق بین‌الملل به چه معناست؟ دو رویکرد عمده مطرح است. در رویکرد نخست، مسئولیت به جبران خسارت نتیجه بلافصل نقض تعهدات بین‌المللی است. بدین معنا که چنانچه یکی از تابعان حقوق بین‌المللی به ویژه دولتها یک قاعده حقوقی یا یک تعهد بین‌المللی را نقض کند، وظیفه دارد آثار و زیان‌های ناشی از این نقض تعهد را جبران کند. (Shaw, International law, 1999, p. 542). در این رویکرد و در تقسیم‌بندی کلی، قواعد حقوق بین‌الملل به قواعد اولیه (Primary Rules) و قواعد ثانویه (Secondary Rules)، تقسیم می‌شوند.^۱ به عبارت دیگر در حقوق بین‌الملل دو دسته قواعد وجود دارند:

- ۱- قواعد اولیه که حقوق و تکالیف تابعان حقوق بین‌المللی را تعریف و تبیین می‌کنند؛
 - ۲- قواعد ثانویه که آثار نقض چنین حقوق و تعهداتی را بیان می‌دارند. از آنجایی که قواعد مسئولیت بین‌المللی به جبران خسارات، بیان‌کننده آثار نقض حقوق و تعهدات بین‌المللی می‌باشند، پس قواعدی ثانویه هستند. (Bodansky, At: www.asil.org/ajil/ajil024.pdf, at 3)
- بر این تقسیم‌بندی انتقاداتی وارد شده است. بدین ترتیب که:

- بر اساس چنین تقسیم‌بندی، یک دولت تنها زمانی می‌تواند به مسئولیت دولت دیگر در خصوص جبران خسارات استناد جوید که یکی از منافع قانونی وی به دنبال نقض تعهد تحت تأثیر واقع شود. منفعتی قانونی که بر اساس قاعده اولیه تعریف و تعیین شده است. این در حالی است که قواعد اولیه در بسیاری موارد تعریف کاملی از منافع قانونی دولتها بر اساس قواعد اولیه به دست نمی‌دهند.

- به علاوه بر اساس قواعد ثانویه تنها یک یا چند دولتی که در اثر نقض تعهد مستقیماً متحمل خسارت شده‌اند، می‌توانند به مسئولیت دولت خاطی استناد کنند؛ مگر در مورد نقض قواعد آمرانه بین‌المللی (erga omnes) که جامعه جهانی در کل متحمل خساراتی می‌شود و بر این اساس هر دولت عضو این جامعه می‌تواند به مسئولیت دولت خاطی استناد کند. با این حال، حوزه قواعد آمره در چهارچوب قواعد اولیه جز در موارد اندک همچون ممنوعیت

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Commentaries to the Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts Adopted by the International Law Commission at Its Fifty-Third Session, (2001), At: <http://www.ilsa.org/jessup/jessup06/basicmats2/DASRcomm.pdf>, at 65).

ژنوساید، ممنوعیت استفاده و یا تهدید به استفاده از زور، مبهم و نامعلوم است. ابهامی که می‌تواند اعمال ضمانت اجراهایی مؤثر نقض قواعد آمره از سوی جامعه بین‌المللی را و در جهت حمایت از منافع بنیادین تحت تأثیر قرار دهد (Crawford, www.asil.org/ajil/ilcsymp7.pdf, 2001, at 3).

- همچنین از آنجایی که در حال حاضر عمده قواعد اولیه حقوق بین‌الملل بر تبیین حقوق و تکالیف دولتها (نه دیگر تابعان حقوق بین‌الملل) متمرکز است. به نظر می‌رسد این تبعیت (قواعد ثانویه جبران خسارت از قواعد اولیه)، توانایی قواعد مسئولیت جبران خسارت را به عنوان ابزار ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل به ویژه با توجه به گستره در حال رشد حقوق و تکالیف تابعان غیر دولت محدود سازد.

- علاوه بر این، منتقدان بیان می‌کنند فرع قرار دادن قواعد مسئولیت بر قواعد اولیه در حوزه هایی همچون حقوق بین‌الملل محیط زیست که بسیاری قواعد اولیه کلیدی آن از جمله اصل احتیاط، اصل توسعه پایدار، مسئولیت مشترک ولی متفاوت، میراث مشترک بشریت و نگرانی‌های مشترک بشریت هنوز مبهم و قابل بحث است، می‌تواند کارایی قواعد مسئولیت بین‌المللی در تضمین حمایت و حفاظت از محیط زیست را زیر سؤال ببرد (Ibid, p. 6).

با توجه به انتقادات مطروحه در رویکرد دوم که رویکردی نسبتاً جدید است، صرف وقوع خسارت براساس فعالیتهای یک تابع حقوق بین‌الملل در جهت احراز مسئولیت به جبران خسارات وارده کفایت می‌کند، هرچند فعالیت منشأ خسارت در حقوق بین‌الملل منع نشده باشد (مستقیماً، ۱۳۷۷، ص ۲۶). مبنای این نظریه برخلاف نظریه پیشین عمل تخطی آمیز بین‌المللی (نقض تعهد بین‌المللی) نیست بلکه صرف وقوع خسارت است. در توجیه این نظریه بیان می‌شود که در سطح بین‌المللی به ویژه در ارتباط با خسارات زیست محیطی مواردی قابل تصور است که با وجود اتخاذ تمام اقدامات احتیاطی از سوی دولت بازهم صدمات و زیانهای وارد می‌شود. در چنین مواردی اگر چه به ظاهر هیچ گونه نقض تعهدی صورت نگرفته است و در نتیجه نمی‌توان دولت مزبور را به جهت صدمات وارده مسئول دانست ولی در عین حال غیر منصفانه است که وضعیت دولت زیان‌دیده نیز نادیده گرفته شود (زمانی، پیشین، ص ۳۵). بر این نظریه نیز انتقاداتی وارد است. از جمله به اعتقاد بسیاری اعمال بدون محدودیت این اصل، روند توسعه اقتصادی و انجام فعالیتهای صنعتی سودآور دارای احتمال خطرات زیست محیطی را با موانعی جدی روبرو خواهد ساخت. به اعتقاد منتقدان اجرای این اصل باید در جهت ایجاد تعادل نسبی میان توسعه فعالیتهای اقتصادی دارای احتمال خطر از یک سو و حمایت از سایر دولتها یا اتباع آنها در برابر عواقب زیان آور این نوع فعالیت ها از سوی دیگر باشد. رد پای این دو نظریه به نحو بارز در مباحث مطروحه در کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارتباط با موضوع «مسئولیت بین‌المللی دولتها» قابل مشاهده است. مباحثی که در نهایت به

تصویب پیش نویس «راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها در خصوص اعمال تخطی آمیز بین‌المللی»^۱ بر مبنای نظریه اول و پیش نویس طرح «اصول جبران خسارت در مورد صدمات برون مرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»^۲ بر مبنای نظریه دوم شده است. در نهایت نگاهی به عملکرد دولتها و رویه قضایی و داوری بین‌المللی این نتیجه را به دست می‌دهد که هیچ یک از دو رویکرد فوق، رویکرد غالب نیست؛ بلکه ترکیبی از این دو، مبنای مسئولیت جبران خسارت در حقوق بین‌الملل است. چنانکه در قضایایی همچون پالماس در سال ۱۹۲۸ میلادی، تریل اسملتر در سال ۱۹۴۱، اصل مسئولیت در خصوص خسارات ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت و در عین حال این واقعیت نیز در نظر گرفته شد که بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، صرف انجام فعالیت منشأ خسارت در قلمرو سرزمینی یک دولت نمی‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت به جبران خسارات وارده را به دنبال داشته باشد. بلکه مسئولیت چنین دولتی زمانی محرز است که نقض انجام وظیفه به نحو احسن (Due diligence) درخصوص ارائه مجوز، تداوم نظارت و کنترل، محرز شود (United Nations Environment Programme, At: <http://www.unep.org>, at 52). بر این اساس در حقوق بین‌الملل محیط زیست و در ارتباط با خسارات زیست محیطی، مسئولیت به جبران خسارات ناشی از نقض تعهد انجام وظیفه به نحو احسن، در کنار مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های خطرناک زیان بار منع نشده در حقوق بین‌الملل مطرح است (Birnie, 1992, p. 140).

۲. تعریف خسارات زیست محیطی

بر خلاف این اصل کلی در حقوق بین‌الملل که هر نقض تعهد بین‌المللی به صرف وقوع، خود نوعی خسارت است و به تعبیر بهتر، خسارت در هر نقض تعهد مستتر است، در حقوق بین‌الملل محیط زیست ایراد خسارات مادی و محسوس، یکی از ارکان مسئولیت بین‌المللی جبران خسارت به شمار می‌رود. از این رو در تحلیل قواعد حاکم بر جبران خسارات زیست محیطی، بررسی مفهوم و گستره چنین خساراتی ضرورتی انکارناپذیر دارد. با این حال، عدم وجود تعریف جامع و مانع از خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل، عمده ترین مانع پیش روی جبران خسارات زیست محیطی در عمل می‌باشد. به گونه‌ای که در قضیه کوسموس ۹۵۴ فقدان تعریف از خسارات زیست محیطی در کنوانسیون سال ۱۹۷۲ در خصوص «مسئولیت بین‌المللی دولتها راجع به اشیاء فضایی» دادگاه را با مشکل مواجه کرد. در

1-Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts Adopted by the International Law Commission at its fifty-third session (2001).

2-Draft Principles on the Allocation of Loss in the Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities Adopted by the International Law Commission at its Fifty-Eighth Session (2006).

این قضیه بسیاری از خساراتی که دولت کانادا مطالبه می‌کرد، علی‌رغم حیاتی بودن آنها در جهت حفظ بقاء آن دولت، در زمره خسارات وارده به اموال و یا اشخاص مطروحه در کنوانسیون مزبور نمی‌گنجید.

در ارائه تعریفی از «خسارات زیست محیطی» این سؤال مطرح می‌شود که اساساً مفهوم «خسارت» در حقوق بین‌الملل به معناست؟ در یک تعریف کلی «خسارت» زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه فعل یا ترک فعل تابعان حقوق بین‌الملل و یا در اثر بروز حوادث طبیعی، به افراد، اموال و یا محیط زیست^۱ وارد می‌شود (زمانی، پیشین، ص ۴۴). در اینجا این نکته قابل ذکر است که این مفهوم به فراخور تحولات و پیشرفت‌ها در دوره‌های زمانی متفاوت و در عرصه‌های مختلف ابعادی گوناگون یافته است. در برهه‌ای از زمان، اسنادی همچون رأی داوری تریل اسملتر (Bratspies, 2006, P. 44)، کنوانسیون پاریس مربوط به «مسئولیت در قبال اشخاص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای» بدون توجه به خسارات زیست محیطی یا اکولوژیک، خسارت را صرفاً سلب حیات، صدمه شخصی، تلف و یا لطمه به مال تعریف می‌کردند. در اسناد مزبور خسارات زیست محیطی در پرتو خسارات وارده به شخص و یا اموال در نظر گرفته می‌شد و از سوی دیگر، شکلی خاص از تسلط و ملکیت را در خود داشت و از این رو در شمول خسارات نسبت به تخریب مشترکات عمومی از جمله محیط زیست ایجاد تردید می‌کرد (زمانی، پیشین). در برهه‌ای دیگر اسناد بین‌المللی در تعاریف خود از واژه خسارت، صدمات زیست محیطی را لحاظ داشتند. چنانچه کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۶ لندن راجع به «مسئولیت و جبران خسارت برای خسارات در ارتباط با حمل و نقل مواد سمی و خطرناک از طریق دریا»، خسارت را شامل خسارات وارده بر حیات، صدمات وارده به شخص یا صدمات وارده بر اموال و یا خسارات وارده ناشی از آلوده کردن محیط زیست و هزینه‌های مربوط به اقدامات حفاظتی می‌داند. کنوانسیون راجع به «تنظیم فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از معادن طبیعی در قطب جنوب»، نیز صرف نظر از خسارات وارده به اموال و اشخاص و به صورتی کاملاً مستقل^۲، خسارات زیست محیطی را هر گونه صدمه بر عناصر زنده و غیر زنده محیط زیست، شامل صدمه به اتمسفر، حیات موجود در دریا و خشکی، بیش از سطحی که قابل اغماض باشد، تعریف می‌کند. چنین خساراتی در اصلاحیه بند شش ماده یک کنوانسیون

۱. لازم به ذکر است اگرچه در این تعریف صدمه وارده به محیط زیست نیز مطرح شده است، اما چنین خسارتی تنها از این جنبه مورد توجه است که خسارتی به منافع دولت زیان دیده وارده آمده است. در واقع آنچه بر اساس این تعریف مهم است، جبران منافع از دست رفته دولت است و حمایت از محیط زیست در برابر خسارات وارده نه فی‌نفسه و بالذات، بلکه به تبع حمایت از منافع دولت مورد توجه است.

۲. به هر حال این واقعیت انکار ناپذیر وجود دارد که در عمل و در اغلب موارد تفکیک خسارات زیست محیطی از خسارات وارده به اشخاص و اموال بسیار دشوار می‌باشد.

۱۹۸۴ بروکسل در مورد «مسئولیت مدنی نسبت به خسارت آلودگی نفتی» معنایی گسترده‌تر به خود می‌گیرد. بر اساس این اصلاحیه خسارات زیست محیطی هزینه اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده جهت کاهش خسارات و همچنین اقدامات معقولی که به منظور بالابردن توان مقاومت محیط زیست اتخاذ می‌شود، را پوشش می‌دهد. در نهایت رهنمودهای تهیه شده برای کمیسیون اقتصادی ملل متحد در مورد مسئولیت در قبال آلودگی‌های برون مرزی، خسارت را به عنوان مبنایی برای میزان غرامت یا جبران آن، چنین تعریف می‌کند:

الف. از دست دادن حیات، صدمه به سلامتی یا هر نوع زیان شخصی؛

ب. هر نوع آسیب دیدن یا تلف شدن مال یا عدم النفع؛

ج. بروز تغییرات سوء و مضر در اکوسیستم؛ شامل:

۱. هزینه اقدامات معقول اعاده ی واقعی وضعیتی که محقق شده یا اقداماتی که باید

صورت پذیرد؛

۲. خسارات زاید بر آنچه که در قسمت یک بدان اشاره شد.

د. هزینه اقدامات بازدارنده و خسارت بیشتر که از آن اقدامات ناشی می‌شود (زمانی، پیشین، ص

۴۵).

چنین تعاریفی از واژه خسارت علاوه بر این که راه را برای پرداخت غرامت در قبال خسارات زیست محیطی می‌گشاید، از حیث مضمون و مفهوم خسارت نیز جدید است. صرف نظر از موارد فوق الذکر، در سال ۱۹۹۸ میلادی یک گروه کاری در ارتباط با موضوع مسئولیت و جبران خسارات زیست محیطی بوسیله برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) تشکیل شد. وظیفه این گروه بازبینی گسترده بر اسناد جهانی و منطقه‌ای و قانون‌گذاری‌های داخلی و به طور کلی رویه دولتها به منظور ارائه تعریفی جامع از اصطلاح «خسارات زیست محیطی» عنوان شد

(Liability&Copenation Body Text, At: <http://www.unep.org/DEPI/programmes/Liability-compen-papers.pdf>, at 12).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده از سوی این گروه «خسارات زیست محیطی آن چنان تغییری است که تأثیر مضر قابل سنجش و قابل ارزیابی بر کیفیت محیط زیست خاص یا بر عناصر آن می‌گذارد، خواه این عناصر دارای ارزش تجاری باشند و خواه نباشند. از سوی دیگر، خسارات زیست محیطی تغییراتی را نیز شامل می‌شود که بر توانایی آن محیط در جهت حمایت و تداوم کیفیت قابل قبول از حیات و تعادل زیست محیطی پایدار اثرات سوء می‌گذارد» (Ibid). در این تعریف، کاربرد اصطلاحاتی مانند «اثرات مخرب و مضر» سطحی را که فراتر از آن خسارات زیست محیطی می‌تواند مسئولیت را به دنبال داشته باشد، توصیف می‌کند (Ibid). در این میان، رویه قضایی بین‌المللی نیز به سهم خود در قضیه دریاچه لانوکس

خسارات زیست محیطی را تغییرات عمده در اجزا سازنده، درجه حرارت و دیگر خصوصیات رودخانه تعریف می‌کند^۱ (Lake lanoux Arbitration (France v. Spain), 1957). در بین قوانین داخلی نیز قوانینی همچون قانون آلودگی نفتی ایالات متحده آمریکا سال ۱۹۹۰ و قانون حمایت زیست محیطی نپال در ۱۹۹۷ خسارات زیست محیطی را به رسمیت شناخته‌اند. علی‌رغم وجود چنین تعاریفی از خسارات زیست محیطی در برخی معاهدات زیست محیطی و رویه‌های قضایی بین‌المللی، به نظر می‌رسد دولتها و مراجع قضایی اغلب به راه خطا رفته‌اند. به گونه‌ای که هنوز هم بسیاری از معاهدات زیست محیطی و قوانین ملی، خسارات زیست محیطی را در قالب هزینه‌های مالی برای پاکسازی آلودگی زیست محیطی و اعاده به وضعیت سابق دولت قربانی مورد توجه قرار داده و هیچ تمایزی میان این خسارت و شکل‌های سستی خسارت (خسارت وارده به اموال و اشخاص) قائل نیستند. رویه‌ای که به یقین تأمین‌کننده هدف نهایی قواعد جبران خسارات زیست محیطی (حمایت و حفاظت از محیط زیست) نخواهد بود.

با این حال، می‌توان امیدوار بود با توسعه و تکامل قواعدی حاکم بر جبران خسارات زیست محیطی در طول زمان و تقویت بیش از پیش اراده عام جامعه جهانی به ویژه دولتها در خصوص حفاظت محیط زیست، بتوان روزی خسارات زیست محیطی را مستقل از خسارات وارده به اموال و اشخاص و یا هزینه‌های مصرفی دولت قربانی در جهت پاکسازی آلودگی، صرفاً با هدف احیای محیط زیست تخریب شده، موضوع تدوین قواعد و آرا قضایی بین‌المللی قرار داد.

۳. ارزیابی خسارات زیست محیطی

دیگر مانع پیش روی جبران خسارات زیست محیطی، برآورد و ارزیابی خسارت زیست محیطی مستقل از خسارات وارده به اشخاص و اموال و بر اساس فرمول‌های ریاضی است. علت این امر نیز به ماهیت عناصر زیست محیطی و عدم سهولت در ارزشگذاری مالی آنها باز می‌شود. به دیگر سخن، خسارات وارده به محیط زیست برای مثال به لحاظ از بین رفتن حیات وحش، مستقیماً با معیار پولی قابل ارزیابی نیستند. در حالی که در حقوق بین‌الملل و در ارتباط با سایر خسارات، چنین برآوردی مبنای ارزیابی و به دنبال آن تعیین شیوه جبران خسارات است. حقوق بین‌الملل محیط زیست در پاسخ به این مسأله سه راهکار پیشنهاد می‌کند:

در نخستین راهکار، مسوولیت جبران خسارات زیست محیطی به پرداخت هزینه‌های متعارف مصروفه در اعاده وضعیت سابق، ایجاد ثبات در محیط (Reinstatement) و انجام

۱. رجوع شود به: *Liability & Compensation Body Text, op.cit.*, p. 41.

اقدامات حفاظتی محدود می‌شود. برای مثال، بند (ج) ماده ۱۰ «کنوانسیون مسئولیت مدنی برای خسارات ایجاد شده در جریان حمل و نقل کالاهای خطرناک از طریق جاده، ریل و کشتی‌های دریانوردی درون مرزی» ۱۹۸۹، نمونه‌ای از معاهدات بین‌المللی ارائه‌دهنده راهکار مزبور است. علاوه بر این، شورای امنیت در قطعنامه ۶۷۸ خود ضمن مسئول دانستن دولت عراق به در ارتباط با خسارات وارده به اموال، اشخاص، محیط زیست و منابع طبیعی در جریان تهاجم و اشغال غیر قانونی کویت، جبران خسارت و در واقع پرداخت غرامت را به هزینه‌های مربوط به نظارت، ارزیابی صدمات نیز هزینه‌های مربوط به واکنش در برابر چنین خساراتی و اصلاح آنان محدود کرد. در این راهکار، خسارات صرفاً هزینه اقدامات مربوط به اعاده وضعیت متعارف شامل می‌شود که در عمل قابلیت اجرایی و تعیین کمیت را نیز داشته باشد (Payne, At: <http://www.asil.org/insights/2005/08/insights050810.html>, at 1).

بر این رویکرد این انتقاد وارد است که هدف آن بیشتر حمایت از عامل فعالیت‌های خسارت بار زیست محیطی در مقابل دعاوی مبهم و غیر معمول دولت زیان‌دیده است، تا حمایت و حفاظت از محیط زیست. از سوی دیگر در اغلب موارد، اقدامات مربوط به اعاده به وضع سابق که در عین حال در دسترس و متعارف نیز باشند، معدود هستند. در برخی موارد حتی احیا و یا اعاده به وضع سابق، به دلیل غیرقابل ارزیابی و جبران ناپذیر بودن صدمات زیست محیطی از نقطه نظر تکنیکی و اقتصادی به طور قطع غیر ممکن خواهد بود. با توجه به این امور، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان عامل خسارات را به جبران خسارت زیست محیطی وارده از طریق شیوه‌های دیگر (به جز پرداخت هزینه اقدامات متعارف اعاده‌کننده) ملزم کرد؟ و یا اساساً وجود خسارات زیست محیطی جبران ناپذیر، استثنایی بر اصل جبران خسارت خواهد بود که به دنبال آن عامل چنین خساراتی از نقطه نظر متحمل شدن مسئولیت بین‌المللی، در شرایط مطلوب تر نسبت به خساراتی جبران پذیر قرار خواهد گرفت؟ برای پاسخ به چنین سؤالاتی راهکار دوم ارائه می‌شود.

۲. متداول‌ترین راه حل در رویه دولتها و معاهدات بین‌المللی این است که مبلغ پولی معین و از پیش تعیین شده به عنوان سقف پرداخت غرامت و به عنوان جایگزینی برای اعاده به وضع سابق در نظر گرفته می‌شود. برای کنوانسیون وین راجع به «مسئولیت مدنی برای صدمات اتمی» نیز مسئولیت عامل را به ۵ میلیون دلار آمریکا در هر حادثه اتمی محدود کرد. در این کنوانسیون همچنین زمان طرح دعاوی مربوط به جبران خسارت نیز محدود می‌شود و حقوق بر جبران خسارت ملغی می‌شود در صورتی که دعوی در عرض ۱۰ سال پس از تاریخ حادثه اتمی اقامه نشود. صلاحیت رسیدگی به این دعاوی نیز به دادگاه‌های کشورهای طرف معاهده محدود می‌شود که این حادثه در کشور وی اتفاق افتاده است. به علاوه نمونه بارز

اتخاذ چنین روشی در رویه قضایی بین‌المللی، قضیه کوسموس ۹۵۴ مطروحه بین روسیه و کانادا در سال ۱۹۸۴ میلادی است. اختلاف مطروحه در این قضیه بر سر تعیین میزان خسارات بود. کانادا این خسارات را ۱۴ میلیون دلار از جمله ۶ میلیون دلار برای عملیات پاکسازی تخمین می‌زد. در حالی که چنین خساراتی در کنوانسیون مسئولیت برای اشیاء فضایی سال ۱۹۷۲ میلادی پیش بینی نشده بود. سرانجام دولت روسیه بر اساس توافق طرفین در ارتباط با عملیات پاکسازی تنها سه میلیون دلار پرداخت کرد (Birmie, *op.cit.*, p. 153).

بر این شیوه نیز انتقادات پیشین وارد است. در واقع هدف در آن نه جبران کامل خسارات زیست محیطی بلکه حمایت از عامل خسارات در برابر دعاوی مبهم و کلان زیان دیده است. ۳. در راهکار نهایی آلوده کننده باید غرامتی معادل ارزش عناصر زیست محیطی خسارت دیده بپردازد. بر این اساس عناصر زیست محیطی در دو طبقه دسته بندی می‌شوند:

الف. عناصر زیست محیطی که در بازار و با قیمت مشخص تجارت می‌شوند. در مورد این دسته به سهولت، قیمتی که منابع زیست محیطی در بازار مورد معامله قرار می‌گیرند، ملاک و معیار تعیین ارزش قرار می‌گیرد.

ب. آن دسته از عناصری که از چنین قیمت بازاری برخوردار نیستند و ارزش اقتصادی آنها بر اساس روش‌های ارزیابی ارزش تفریحی یا لذت بخشی آنها تعیین می‌شود. بدین معنا که سنجش و ارزیابی دقیق نظر عموم مبنای تعیین ارزش تقریبی اینگونه عناصر زیست محیطی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، تمایلات عموم جامعه به پرداخت هزینه برای کالاهای زیست محیطی مانند هوای تازه یا آب سالم و یا تمایل به پرداخت هزینه برای حفظ محیط زیست در معرض خطر، در ارتباط با چنین ارزیابی‌ای از اهمیت بسیار برخوردار می‌باشد. چنین شیوه‌های سنجشی ابتدا در حقوق محیط زیست آمریکا و در دهه اخیر از طریق برخی از حقوقدانان حقوق بین‌الملل محیط زیست در سطح بین‌المللی مورد توجه واقع شد. به هر حال، بسیاری از کارشناسان معتقد اند شیوه‌های سنجش عمومی شیوه‌های هزینه بر و زمان بر هستند که به سطح بالای دانش و تخصص در اجرا نیاز دارند. از سوی دیگر، نتایج حاصله از این شیوه‌ها محتمل و مشروط هستند (Liability&Compensation Body Text, *op.cit.*, p.7).

در نهایت باید گفت همانگونه که اشاره شد به هر یک از سه راه حل فوق الذکر ایرادات جدی وارد است. با وجود این به نظر می‌رسد اعمال هر کدام از این شیوه‌ها در شرایط مناسب و با توجه به عوامل مؤثر دیگر، همچون مفاد تعهد نقض شده، عدالت و انصاف بتواند راهگشا باشد. صرف نظر از عدم سهولت ارزیابی خسارات زیست محیطی، تعیین سطح و معیار معین که در آن دولت مسئول جبران خسارات زیست محیطی وارده شناخته شود نیز در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. فلسفه تعیین چنین سطحی، این واقعیت انکار ناپذیر است که بسیاری از

فعالیت‌های خسارت بار زیست محیطی برای حیات اقتصادی و اجتماعی و در نهایت توسعه جامعه انسانی اجتناب ناپذیر است. از این رو تعیین یک سطح حداقلی این اجازه را خواهد داد که خسارات زود گذر، اندک و قابل تحمل زیست محیطی نادیده انگاشته شود و تنها خساراتی که بالاتر از حد مجاز برآورد شده‌اند، مسئولیت عامل خسارت را به همراه داشته باشد. در این زمینه کمیسیون حقوق بین‌الملل معتقد است تأثیر سوء بر اکوسیستم باید «قابل ملاحظه» و «قابل ارزیابی»، «اساسی یا فراتر از سطح معمولی قابل اغماض» باشد (Text of the Draft Articles, 2001, Art 2, on Prevention of Trans boundary Harm from Hazardous Activities). به علاوه به اعتقاد کمیسیون چنین معیارهای حداقلی باید انعطاف پذیر و بر اساس شرایط طبیعی و منطقه‌ای متفاوت باشند. زیرا برای مثال، اثر سویی که از صید غیرمجاز یک گونه نادر جانوری بر محیط زیست وارد می‌شود با صید گونه‌ای دیگر که صرفاً به دلیل صید آن در فصول معین از سال ممنوع شده است، قابل قیاس نیست. همچنین اثرات سوء مربوط به دود کارخانه‌ای که در مسیر جریان‌های هوای خاص احداث شده است به مراتب شدیدتر از دود کارخانه‌ای است که در چنین منطقه‌ای احداث نشده است. صرف نظر از معیار ارائه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل، بررسی اجمالی معاهدات و رویه قضایی بین‌المللی در این زمینه بیان‌کننده این واقعیت است که یک اجماع یا توافق بین‌المللی در ارتباط با چنین سطح معین از خسارات وجود ندارد. در این منابع، علی‌رغم وجود عباراتی همچون «مهم»، «جدی»، «بالاتر از سطح قابل اغماض»، «بیش از استاندارد توصیف شده»، یا «دارای عواقب جدی» برای تعیین سطح خسارات زیست محیطی، شفافیت و دقت کافی و لازم در مورد معیاری دقیق و معین بین‌المللی مشاهده نمی‌شود.

۴. شیوه‌های جبران خسارات زیست محیطی

صرف نظر از تعیین و ارزیابی خسارات زیست محیطی، شیوه‌های جبران چنین خساراتی نیز یکی دیگر از موانع پیش روی حقوق‌دانان بین‌المللی است. در اینجا این سوال مطرح است که آیا می‌توان شیوه‌های عام جبران خسارت در حقوق بین‌الملل را، قابل اعمال بر خسارات زیست محیطی نیز دانست؟ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به «مسئولیت بین‌المللی دولتها در خصوص عمل تخطی آمیز بین‌المللی» سال ۲۰۰۱، در ماده ۳۴ خود، شیوه‌های عام جبران خسارت در حقوق بین‌الملل را به شرح ذیل بیان می‌کند: «جبران خسارت کامل زیان ناشی از عمل تخطی آمیز بین‌المللی می‌تواند به شکل اعاده به وضع سابق (Restitution)، غرامت (Compensation)، جلب رضایت زیان دیده (Satisfaction)، به تنهایی یا ترکیبی از اینها با توجه به مقررات این فصل باشد».

اعاده وضعیت سابق^۱ محدودیت‌هایی همچون ناممکن بودن آن در مواردی از لحاظ مادی و حقوقی و خارج از توان بودن اجرای آن برای دولت متخلف را به دنبال دارد. عدم امکان جبران مادی می‌تواند به خاطر تلف شدن یا خراب شدن غیر قابل ترمیم شیء ای باشد که باید باز گردانده شود. عدم امکان از لحاظ حقوقی نیز می‌تواند به دلیل موانع حقوقی داخلی یا بین‌المللی باشد.^۲

(Commentaries to the Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, op. cit., p.184).

با توجه به موانع فوق الذکر، پرداخت پولی در اغلب موارد جایگزین اعاده به وضع سابق می‌شود. در ارتباط با این شیوه جبران خسارت نکاتی به شرح ذیل قابل ذکر می‌باشد:

الف. غرامت معمولاً برای زیان‌های بالفعل پرداخت می‌شود؛

ب. در این شیوه باید میان عمل موجب خسارات و عواقب آن، ارتباط علی و معلولی مستقیم و پیوسته وجود داشته باشد تا بتوان از بابت آن مطالبه پرداخت غرامت کرد.

به عبارت دیگر، در حقوق بین‌الملل در خصوص این اصل که در روند جبران خسارات باید خسارات مستقیم^۳ و غیر مستقیم از یکدیگر تفکیک و تنها خسارات مستقیم و بی‌واسطه جبران شوند، توافقی همه جانبه وجود دارد. اگرچه به اعتقاد برخی از حقوقدانان، خسارت غیر مستقیم قابل پرداخت خواهد بود اگر؛ اولاً، این خسارات نتیجه «فوری و اجتناب ناپذیر» خسارات اصلی باشند؛ ثانیاً، رابطه «علت و معلول» روشن بین این دو نوع خسارت از یک طرف و عمل مخالف حقوق منشأ خسارت از طرف دیگر وجود داشته باشد (بازیاری شورابی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲).

در نهایت به نظر می‌رسد در حقوق بین‌الملل راه برای مطالبه جبران خسارات غیر مستقیم باز است و نمی‌توان به دلیل محدودیت‌های عملی، حق مطالبه آنها را در صورت احراز شرایط

۱. ماده ۳۵ پیش‌نویس این گونه مقرر می‌دارد: «دولت مسئول برای اعمال تخطی آمیز بین‌المللی به اعاده وضعیت به شکل سابق متعهد است، و آن عبارت از بازگرداندن موقعیت به وضعی است که قبل از ارتکاب عمل تخطی آمیز وجود داشته است، مگر این که، اعاده:

(الف) به طور اساسی ممکن نباشد؛

(ب) مستلزم تعهدی بیش از تأمین همه منافع ناشی از اعاده نباشد».

۲. برای مثال حقوق بین‌الملل در روند جبران خسارات شرکت‌های خارجی ناشی از ملی کردن، اعاده وضعیت را بر اساس اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی سرزمین‌شان امکان پذیر نمی‌داند. از این رو تنها راه جبران خسارت در این موارد پرداخت غرامت پولی می‌باشد.

۳. در تعریف خسارات مستقیم یا خسارات اصلی باید گفت خساراتی هستند که نتیجه فوری و بدون واسطه عمل تخطی آمیز بین‌المللی می‌باشند. در واقع بین این گونه خسارات و عمل منشأ مسؤولیت باید یک رابطه منطقی و روشن «علت و معلولی» وجود داشته باشد. به عبارت دیگر این خسارات نتیجه انکارناپذیر یک عمل می‌باشند. رجوع شود به: بازیاری شورابی، پیشین.

مزبور نادیده گرفت. در این ارتباط و برای تشخیص رابطه علت و معلولی مزبور دکتترین معیارهای گوناگون از جمله، معیار «عادی بودن»^۱، «قابلیت پیش بینی کردن»^۲ را مطرح می‌کنند. ج. علاوه بر این از آنجایی که در اغلب موارد فاصله زمانی بین لحظه وارد آمدن خسارات تا زمان تعیین دقیق میزان آن طولانی خواهد بود، دولت زیان‌دیده موظف است از لحظه وارد آمدن خسارت، اقداماتی به منظور جلوگیری از بروز صدمات بیشتر اتخاذ کند. به این دلیل و همچنین به منظور تعیین مبلغ غرامت و سود تعلق گرفته به آن، وظیفه پرداخت غرامت در لحظه وقوع خسارت و نه در زمان حصول توافق بین طرفین بر سر نوع و محدوده آن محرز می‌شود. به عبارت دیگر، صرف وقوع عمل تخطی آمیز بین‌المللی برای ایجاد حق مطالبه غرامت کافی است و در این مرحله نیازی به توافق با دولت متخلف بر سر پرداخت غرامت نیست (مستقیمی، پیشین، ص ۲۴۲).

د. مسأله مهم و مورد اختلاف دیگر در ارتباط با پرداخت غرامت، در دست نبودن شیوه‌های دقیق ارزیابی خسارات و در نهایت تعیین میزان غرامت قابل پرداخت است. مسئله‌ای که در مورد خسارات غیرمالی ملموس تر است. در این میان، بهترین شیوه تعیین میزان غرامت بر اساس توافق طرفین و اغلب از طریق کمیسیون مختلط و یا محاکم داوری تعیین می‌شود.

هـ. از طرفی در ارزیابی و لحاظ کردن هزینه‌های مربوط به جلوگیری یا تقلیل خسارات در میزان غرامت قابل مطالبه، دو شرط لازم است:

- ۱- وقوع خسارت و یا احراز وجود خطر حتمی و قریب الوقوع؛
 - ۲- ضروری و معقول بودن اقدامات به عمل آمده در ارتباط با جلوگیری از بروز خسارات بیشتر و کاهش خسارت وارده (هزینه‌ها نیز باید در عمل صرف شود) (فیوضی، پیشین، ص ۶۰۱).
- یکی دیگر از شیوه‌های جبران خسارت جلب رضایت است که اغلب در موارد ورود صدمات غیر مادی یا لطمات معنوی به شخصیت دولت مناسب است. جلب رضایت سه هدف را دنبال می‌کند:

۱. عذر خواهی یا هرگونه تأیید نادرستی عمل؛
۲. پیگرد قانونی یا تنبیه شخص مجرم؛
۳. اتخاذ اقداماتی برای جلوگیری از تکرار آن عمل زیانبار (Bedjaoui, 1991, p.370).

۱. عادی بودن به این معنا که قاضی یا داور با توجه به اوضاع و احوال تشخیص دهد کدام یک از آنها «عادی و طبیعی تر» بوده و به طور منطقی و در عمل شانس دخالت بیشتر در ایجاد خسارت داشته‌اند.

۲. بر اساس معیار قایل پیش بینی بودن قاضی یا داور باید تحقیق کند آیا عامل خسارت به طور عقلایی توانسته است، قبل از ارتکاب عمل منشأ خسارت اولیه به تمام آثار و نتایج احتمالی عمل خود آگاهی داشته باشد یا خیر؟ و اگر آگاهی داشت باز هم آن عمل را مرتکب می‌شد؟

در خصوص قابلیت اعمال چنین شیوه‌هایی با ویژگی‌های تشریح شده، باید گفت اگرچه شیوه‌های سستی جبران خسارت در حقوق بین‌الملل عرفی برای خسارات وارده به شخص و یا اموال طراحی شده‌اند و از این رو به نظر می‌رسد کارایی لازم را در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست نداشته باشند، با وجود این در این گرایش از حقوق بین‌الملل نیز همانند حقوق بین‌الملل عرفی، هدف اولیه جبران خسارات، اعاده به وضع سابق و در واقع احیای محیط زیست در معرض خسارت است. در اینجا منظور از اقدامات اعاده کننده، اعمالی است که وضعیت محیط زیست را به زمان پیش از بروز آلودگی بازگرداند؛ البته در صورتی که امکان عملی چنین بازگشتی ممکن باشد. برای مثال اجبار به کاشت درختان جدید یا تکثیر ماهی در قبال اعمال خلافی همچون قطع درختان و یا صید بی رویه از مصادیق این گونه اقدامات بشمار می‌روند. در این ارتباط و بر اساس بند (ج) ماده سه برنامه مونتویدئو سوم^۱ تحت عنوان «پیشگیری و کاهش صدمات زیست محیطی» یکی از وظایف یونپ مطالعات رفتاری در مورد رضایت و همکاری دولت‌های مربوطه در ارتباط با راهکارها و ابزارهای مؤثر و کافی برای جبران خسارت، اصلاح کردن، جایگزین کردن و اعاده به وضعیت سابق در زمینه خسارات زیست محیطی بیان می‌شود. یونپ چنین وظایفی را از طریق در نظر گرفتن شیوه‌های ارزش‌گذاری، تشویق تلاش‌های صورت گرفته از سوی دولت‌ها در جهت توسعه، اتخاذ ابزارهای اقتصادی زیست محیطی استاندارد و تکنیک‌هایی فنی و علمی مؤثر در چنین ارزش‌گذاری‌هایی انجام می‌دهد

(The Programme for the Development and Periodic Review of Environmental Law for the first Decade of the Twenty-First Century, 2001, http://www.unep.org/Law/Word_docs/GC22_2_3_add2_Monteideo%20III.doc, at 3.

در قضیه کامن ولس پوئریکو و ژوکلوکوترونیز (The Commonwealth of Puerto Rico v. Zoe Colocotroni case) نیز دادگاه تجدید نظر در ایالات متحده آمریکا ضمن رد هر گونه پیشنهاد راجع به پرداخت غرامت معادل ارزش مناطق خسارت دیده به عنوان جایگزینی برای اعاده به وضع سابق، بازسازی و احیا مجدد و بازگرداندن یک فضای زیست محیطی خسارت دیده به وضعیت سابق و احیای منابع زنده خسارت دیده را به عنوان مبنایی برای جبران خسارت زیست محیطی در سطح بین‌المللی مطرح کرد (Barboza, <http://untreaty.un.org/ilc/>)

۱. برنامه مونتویدئو یک (The Montevideo Programme I) استراتژی گسترده‌ای برای فعالیت‌های یونپ در زمینه حقوق محیط زیست برای قرن ۲۱ می‌باشد. برنامه سوم مونتویدئو (برنامه توسعه و بازبینی دوره ای حقوق محیط زیست برای دهه اول قرن بیست و یک) بر اساس تصمیم ۲۱/۲۳ جلسه بیست و یکم شورای حکام یونپ در فوریه ۲۰۰۱ تصویب شد.

این اشاره شد، امروزه در عمل دست یافتن به چنین هدفی (اعاده وضع سابق زیست محیطی) با توجه به عوامل ذیل دشوار و در مواردی غیر ممکن می‌باشد:

الف. بسیاری از صدمات زیست محیطی با توجه به ماهیت عناصر زیست محیطی برگشت ناپذیرند. برای مثال اگر یک گونه حیوانی و یا گیاهی به سبب عملکرد انسان منقرض شود، شانس بسیار کمی وجود دارد که بتوان آن گونه زیست محیطی را حتی به فرض بروز جهش علمی عظیم مجدداً احیا کرد. حتی در صورت تولید تعدادی معدود از گونه مورد نظر از طریق ژنتیک نیز بدون سکونتگاهی که در آن رشد کند، به یقین این گونه نخواهد توانست مستقلاً به حیات خود ادامه دهد. به عبارت دیگر چنین موجودی بدون سکونت گاه طبیعی یک ماکت جاندار می‌باشد که صرفاً زنده است

(Cairns, 2003, http://www.mnforsustain.org/cairns_j_reparations_for_the_environment.htm, p. 3.)

ب. از سوی دیگر، اجتناب دولت‌های قربانی صدمات زیست محیطی از طرح دعاوی جبران خسارات زیست محیطی در اغلب موارد و یا طرح چنین دعاوی صرفاً به صورت مطالبه‌ی غرامت برای پوشش دادن هزینه‌های مالی متنوع مصروف پس از ورود این گونه صدمات، مانع دیگر پیش روی شیوه جبران خسارات اعاده به وضع سابق در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این در حالی است که چنین هزینه‌هایی را باید در زمره خسارات مالی طبقه بندی کرد. جالبتر این که بر پرداخت غرامت در ارتباط با همین هزینه ها نیز سقف و حدودی تعیین می‌شود در نهایت با توجه به چنین رویه ای خسارات زیست محیطی اغلب بدون جبران باقی می‌ماند.

ج. همچنین در عصر حاضر تمایل روز افزون در رویه دولتها به تحمیل مسئولیت اصلی جبران خسارات زیست محیطی بر دوش عامل خصوصی فعالیت منشأ آلودگی (The Polluter Pays Principle) و فرع قراردادن مسئولیت دولت در کنار مسئولیت عامل خصوصی^۱ قابل در کنار عدم توانایی عامل خصوصی به جبران خسارات زیست محیطی به خصوص در ارتباط با

۱. بر اساس رویه مزبور، دولت‌ها مسئولیت اولیه به پرداخت غرامت در قبال خسارات زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های بخش خصوصی را نخواهند داشت، بلکه این اشخاص خصوصی عامل چنین فعالیت‌هایی هستند که باید خسارات وارده را جبران نمایند. در این حالت دولتها تنها متعهد به نظارت بر فعالیت بخش خصوصی در جهت تضمین جبران کافی و فوری خسارات وارده می‌باشد. از این رو در حقوق بین‌الملل محیط زیست به مکانیزم‌های مالی همچون بیمه، وام و صندوق پرداخت خسارات بیش از پیش توجه می‌شود. رجوع شود به:

(The Programme for the Development and Periodic Review of Environmental Law for the first Decade of the Twenty-First Century, *op.cit.*, p.7).

اعاده وضعیت سابق (چه از نظر تخصص و چه از نظر توانایی اقتصادی) از دیگر عوامل مزبور است.

با توجه به دلایل فوق، بسیاری از اسناد بین‌المللی در ارتباط با جبران خسارات زیست محیطی، شیوه پرداخت غرامت را جایگزین اقدامات اعاده به وضع سابق کرده‌اند

(United Nations Publication, 2002, ST/SPACE/11, <http://www.unoosa.org/oosa/SpaceLaw/liability.html>, at 13)

قطعه‌نامه ۶۸۷ شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ نیز بیان می‌کند: «عراق ... بر اساس حقوق بین‌الملل در مورد هرگونه خسارات مستقیم، شامل صدمات زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی ... که در نتیجه تجاوز غیرقانونی و اشغال کویت رخ داده اند، مسئول است».

(Security Council resolution 687, 1991, www.un.org/Depts/unscom/Chronology/resolution687.htm, at 4.)

بر این اساس، دولت عراق ملزم به پرداخت غرامت به قربانیان خسارات وارده شد.^۱ همچنین کنوانسیون «حمایت، مدیریت و توسعه مناطق زیست محیطی دریایی و ساحلی منطقه شرق آفریقا» منعقد در سال ۱۹۸۵ در ماده ۱۵ خود طرفین را به همکاری در تنظیم و اتخاذ قوانین و رویه‌های قضایی مناسب در جهت تعیین مسئولیت و پرداخت جبران خسارت کافی و فوری در خصوص خسارات ناشی از آلودگی مناطق تحت پوشش کنوانسیون دعوت می‌کنند.

یکی دیگر از شیوه‌های جبران خسارت زیست محیطی شناسایی رژیم مسئولیت برای شخص ثالث از طریق الزام به تهیه بیمه نامه و یا ضمانت نامه های مالی است که در برخی از اسناد بین‌المللی مشاهده می‌شود.^۲ همچنین متوقف کردن فعالیتی که موجب خسارت زیست محیطی می‌شود، شیوه دیگر جبران خسارت در حقوق بین‌الملل محیط زیست است. اگرچه این شیوه به طور مطلق پذیرفته نیست. چنانچه فعالیت مورد نظر در حقوق بین‌الملل منع نشده باشد، دولت زیان‌دیده نمی‌تواند توقف آن را تقاضا کند. برای مثال مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ قواعد هلسینکی راجع به «استفاده از آب رودخانه های بین‌المللی» در سال ۱۹۶۷ میلادی در صورتی دولت را به جهت خسارات جدی مسئول می‌داند که ایجاد آلودگی در چهارچوب حق وی بر مشارکت متعارف و منصفانه در استفاده تجاری از آب رودخانه نباشد. در این صورت دولت

۱. قطعه‌نامه مزبور در زمینه جبران خسارت زیست محیطی از دو جهت دارای اهمیت است. ابتدا، در این قطعه‌نامه شورای امنیت برای اولین بار است که صریحاً خسارات زیست محیطی را مورد توجه قرار می‌دهد. دوم این که، این قطعه‌نامه در جهت تضمین و تسریع روند جبران خسارت، تثبیت صندوقی را برای پرداخت غرامت در خصوص دعاوی و همچنین نهادی دیگری با عنوان کمیسیون جبران خسارت سازمان ملل متحد را برای اداره و نظارت بر این صندوق پیش بینی نمود. رجوع شود به: (Payne, *op.cit.*, at 3).

۲. برای مثال می‌توان به بند ۳ ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها اشاره نمود. رجوع شود به: حبیبی، محمد، منصور پور نوری، ۱۳۸۵، حقوق بین‌الملل دریاها (کنوانسیون حقوق دریاها، مصوب ۱۹۸۲)، تهران، انتشارات مهد حقوق، چاپ دوم ص ۱۷۴.

مزبور در متوقف کردن عملیات و جبران خسارت وارده به دولت زیان‌دیده مسئول است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که با توجه به اینکه در اغلب موارد، خسارات زیست محیطی در طول مدت زمانی نسبتاً طولانی بروز می‌کنند، آیا جبران خسارت باید صرفاً در ارتباط با خسارت واقعی که قربانی متحمل شده است، باشد و یا خسارات بالقوه را نیز شامل می‌شود؟

نگاهی اجمالی به نظام بین‌المللی حاکم راجع بر جبران خسارت دو دیدگاه کلی را در این زمینه برجسته می‌کند. بر اساس نخستین دیدگاه، خسارات غیرمستقیم و خسارات بالقوه، خساراتی واهی و غیرمعلوم است که رسیدگی به آنها موجب سردرگمی مراجع قضایی و داوری و افزایش اختلافات بین‌المللی خواهد شد. از این رو، این خسارات نباید مورد توجه قرار گیرند. دیدگاه دوم بر این اعتقاد است چنانچه در میان خسارات غیرمستقیم و خسارات بالقوه با فعالیت منشأ خسارات رابطه علی و معلولی روشن و مشخص وجود داشت، چنین خساراتی نیز باید همچون خسارات اصلی و خسارات بالفعل مورد رسیدگی قرار گیرند. در زمینه خسارات زیست محیطی به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت این گونه خسارات دیدگاه دوم خسارات قابل پذیرش خواهد بود. اگرچه اعمال چنین دیدگاهی در عمل، قربانی خسارات زیست محیطی را با دشواری‌های بسیار رو در رو می‌کند.

نتیجه

در پایان باید گفت علی‌رغم توسعه چشم‌گیر حقوق بین‌الملل در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست به ویژه در دهه‌های اخیر، هنوز هم جبران خسارات زیست محیطی از خلاءهایی عمده پیش روی حقوق بین‌الملل محیط زیست است. امروزه اسناد بیشمار در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در این ارتباط به تصویب رسیده است، اما اغلب آنها از یک سو، محدود به موضوعاتی خاص (به طور عمده در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای، آلودگی نفتی، محیط زیست دریا، انتقال زباله‌ها و مواد خطرناک، اشیاء فضایی) هستند و از سوی دیگر، بسیاری از مفاهیم مبنایی و مؤثر در روند جبران خسارات زیست محیطی، همانند «خسارات زیست محیطی»، «استانداردهای حداقلی» و «مسئولیت زیست محیطی بین‌المللی» را به گونه‌ای مبهم و نامعلوم بیان داشته‌اند. به علاوه، ارزیابی چنین خساراتی در پرتو خسارات مالی، جایگزینی پرداخت غرامت بر ترمیم و بازگرداندن وضعیت زیست محیطی به وضع پیش از بروز خسارات و در نهایت فرع قرار دادن مسئولیت دولت در جبران خسارات زیست محیطی در کنار مسئولیت اصلی عامل خصوصی فعالیت منشأ خسارت (بدین معنا که دولت تنها باید جبران خسارت از سوی عامل خسارت را تضمین کند و در صورت عدم توانایی وی راه‌های

دیگری برای جبران خسارت کافی را در نظر گیرد)، مهم ترین موانع پیش روی جبران کامل خسارات زیست محیطی بر اساس قواعد حقوقی بین‌المللی موجود است.

با وجود این، توجه به رشد روز افزون آگاهی و حساسیت جامعه بین‌المللی در خصوص حمایت و حفاظت از محیط زیست و نیز توجه به نوظهور بودن مباحث مربوط به جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل، توسعه و تدوین نظام جبران خسارات خاص این حوزه از حقوق بین‌الملل را در آینده نزدیک، چندان دور از دسترس نمی‌سازد. نظام حقوقی خاص که در عین انطباق با اصول کلی و عام بین‌المللی، متناسب با ماهیت منحصر به فرد محیط زیست و خسارات وارده به آن باشد و در نهایت بتواند جامعه بین‌المللی را در دست یابی به هدف حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی زیست محیطی از یک سو و حمایت و حفاظت محیط زیست بین‌المللی یاری رساند.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. بازاریاری شورابی، علی، (۱۳۸۱)، *مسئولیت بین‌المللی*، شیراز: نشر زر، چاپ اول.
۲. حبیبی، محمد، منصور پور نوری، (۱۳۸۵)، *حقوق بین‌الملل دریاها (کنوانسیون حقوق دریاها، مصوب ۱۹۸۲)*، تهران: انتشارات مهد حقوق، چاپ دوم.
۳. زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۱)، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره یک، صفحه ۲۸-۵۸.
۴. فیوضی، رضا، (۱۳۷۹)، *حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۵. مجنونیان، هنریک، (۱۳۷۷)، *راهبردها و معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده*، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، چاپ اول.
۶. مستقیمی، بهرام، طارم سری، مسعود، (۱۳۷۷)، *مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.

ب - خارجی

A) Books:

- 1-Bedjaoui, Mohammad, (1991), *International law, Achievements and Prospects*, Paris: Published by UNESCO.
- 2-Birnie, Patricia W. and Alan E. Boyle, (1992), *International Law & The Environment*, Oxford, Oxford University Press, First Edition.
- 3-Bratspies, Rebecca M., Russell A. Miller, (2006), *Transboundary Harm in International Law* (Lessons from the Trail Smelter Arbitration), Cambridge: Cambridge University Press, First Edition.
- 3-Shaw, Malcom N., (1999), *International law*, New York: Cambridge University Press, Fourth Edition.

B) Articles:

- 1-Barboza, Julio, "Eleventh Report on International Liability for Injurious Consequences Arising out of Acts not Prohibited by International law", Available at: http://untreaty.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_468.pdf, PP.1-11.
- 2-Bodansky, Daniel and R. Crook, John, "Symposium: The ILC's State Responsibility Articles and Overview", Available at: www.asil.org/ajil/ajil024.pdf, PP.1-20.
- 3-Cairns, John, Jr., "Reparations for Environmental Degradation and Species Extinction: A Moral and Ethical Imperative for Human Society", May 7, 2003, Available at: http://www.Mnforsustain.org/cairns_j_reparations_for_the_environment.htm.
- 4-Crawford, James, "The ILC's Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: a Retrospect", Available at: www.asil.org/ajil/ajil024.pdf, PP.1-20.
- 5-Payne, Cymie, "United Nation Commission Awards Compensation for Environmental and Public Health Damage from 1990-91 Gulf War", Available at: <http://www.asil.org/insights/2005/08/insights050810.html>, PP.1-5.

C) Internet Sites:

- 1-Commentaries to the Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts Adopted by the International Law Commission at Its Fifty-Third Session, (2001), Available at: <http://www.ilsa.org/jessup/jessup06/basicmats2/DASRcomm.pdf>, pp.1-308.
- 2-Liability&Copenation Body Text, Available at: <http://www.unep.org/DEPI/programmes/Liability-compen-papers.pdf>, PP.1-67.
- 3-Oil Spill by the Amoco Cadiz off The Coast of France on March 16,1978, United States Court of Appeals for the Seventh Cirutt, Available at: <http://www.wfu.edu/~palmitar/Law&Valuation/chapter%201/Documents/AmocoCadiz.html>, PP.1-97.
- 4-Responsibility and Liability under International Law for Environmental Damage, The Institute of International Law, Session of Strasbourg, 1997, Available at: www.idi-iil.org/idiE/resolutionsE/1997_str_03_en.PDF, PP.1-10.
- 5-The Programme for the Development and Periodic Review of Environmental Law for the first Decade of the Twenty-First Century, 2001, Available at: http://www.unep.org/Law/Word_docs/GC22_2_3_add2_Montevideo%20III.doc, PP1-18.
- 6-United Nations Treaties and Principles on Outer Space, Text of treaties and principles governing the activities of States in the exploration and use of outer space, adopted by the United Nations General Assembly, United Nations Publication, New York, 2002, ST/SPACE/11, Available at: <http://www.unoosa.org/oosa/SpaceLaw/liability.html>, PP1-66.
- 7-Security Council resolution 687 of 3 Apr 1991, Available at: www.un.org/Depts/unscom/Chronology/resolution687.htm, PP.1-5.
- 8-United Nations Environment Programme, Training Manual on International Environmental Law, Available at: <http://www.unep.org>, PP. 1-393.
- 9- http://www.nea.fr/html/law/nlparis_conv.html.
- 10-<http://untreaty.un.org>.
- 11-<http://sedac.ciesin.org/entri/texts/civil.liability.oil.pollution.damage.protocol.1984.html>.
- 12-www.ila-hq.org/pdf/WaterResources/WaterResourcesFR2004Sources.

D) Documents:

- 1-Bayonne Treaty between France and Spain, 1866.
- 2-International Convention for the Prevention of Pollution of the Sea by Oil, 1954.
- 3-Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy, 1960.
- 4-IAEA Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, 1963.
- 5-The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966.
- 6-The International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage, 1969.(CLC).
- 7-Agreement for Cooperation Dealing with Pollution of the North Sea by Oil ,1969.
- 8-Draft European Convention on the Protection of Fresh Water Against Pollution, 1969.
- 9-International Oil Pollution Compensation Fund, 1971.
- 10-Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects, 1972.
- 11-Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 1972.

- 12-Kuwait Regional Convention for Co-Operation on the Protection of the Marine Environment from Pollution, 1978.
- 13-Abidjan Convention for Cooperation in the Protection and Development of the Marine and Coastal Environment of the West and Central African Region, 1981.
- 14-United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.
- 15-Protocol to Amend the International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage, 1984.
- 16-Nairobi Convention for the Protection, Management and Development of the Marine Environment of the Eastern African Region and Coastal, 1985.
- 17-Convention for the Protection of the Natural Resources and Environment of the South Pacific Region, 1986.
- 18-Convention on the Regulation of Antarctic Mineral Resource Activities, 1988.(CRAMRA)
- 19-Convention on Civil Liability for Damage Caused During Carriage of Dangerous Goods by Road, Rail and Inland Navigation Vessels, 1989. (CRTD).
- 20-Protocol concerning Marine Pollution resulting from Exploration and Exploitation of the Continental Shelf, 1989.
- 21-Rio Declaration on Environment and Development, 1992.
- 22-International Convention on Liability and Compensation for Damage in Connection with the Carriage of Hazardous and Noxious Substances by Sea, 1996.
- 23-Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts
- 24-Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001.
- 25-Draft Principles on the Allocation of Loss in the Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities, (2006).

D) Cases

- 1-Lake lanouxs Arbitration (France v. Spain), 1957.
- 2-The Commonwealth of Puerto Rico v. SS Zoe Colocotroni case, 1973.
- 3-Oil Spill by the Amoco Cadiz off The Coast of France on March 16, United States Court of Appeals for the Seventh Cirutt, 1978.

از این نویسندگان مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«چهل و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل»، سال ۷۳، شماره ۳۱، «نگاهی به جنبه‌های عمومی حقوق کار با تکیه بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، سال ۷۹، شماره ۵۰، «جلسه کاری کمیته حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل» شصت و نهمین کنفرانس (لندن - سال ۲۰۰۰)، سال ۸۰، شماره ۵۲، «بررسی تحلیلی انواع روش‌های تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی»؛ سال ۸۱، شماره ۵۵، «هفتادمین نشست انجمن حقوق بین‌الملل (آوریل ۲۰۰۲، دهلی نو)»، سال ۸۱، شماره ۵۸، «بررسی تطبیقی شرایط کار زنان و نوجوانان در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، هند، مصر، انگلستان و ایران»، سال ۸۳، شماره ۶۴، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، سال ۸۵، شماره ۷۲، «مداخله بشر دوستانه؛ نقض قاعده یا استثناء سوم» سال ۸۶، شماره ۱. «نقد و بررسی حکم «دیه نفس» زن در قانون مجازات اسلامی»، سال ۸۶، شماره ۴. «نقد و بررسی مقاله «تحول تدریجی حقوق محیط زیست بین‌المللی و مسئولیت دولت‌ها»، سال ۱۳۸۷، شماره ۲. «نقد و بررسی دادرسی فوری در حقوق انگلیس» سال ۱۳۸۸، شماره ۱. «آثار دادرسی فوری در حقوق ایران و انگلیس» سال ۱۳۸۸، شماره ۳. «بررسی استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در پرتو حقوق بین‌الملل» سال ۱۳۸۹، شماره ۳.